

# درباره حرکت تکاملی و مسیر آن

شناخت ویژگیهای تکامل از ضرورت‌های حاد علم است

مارکسیسم حرکت ماده را یک حرکت تکاملی میدانند یعنی حرکتی از سافل به عالی، از ساده به پهنج. ولی تصور آنکه این قانون عام بهمین سادگی و جزمیت و بساطت در سراسر هستی اجرا میشود، تصور عامیانه است. برای آنکه دریافت ما درباره حرکت تکاملی بواقعیّت نزدیک شود ذکر نکات و استنباطات زیرین را سودمند می‌شماریم:

الف - درباره شاخه روینده تکامل

ب - درباره آهنک شتابنده تکامل

ج - درباره مسیر تکامل

د - درباره پهنج شدن ساده و ساده شدن پهنج یا تلخیص یا الکتیکی.

## الف - درباره شاخه روینده تکامل

حرکت تکامل فی النحل مانند حرکت گیاه یا درختی است که از تنه نخستین آن شاخه‌های بسیار میروید و در نمونه یگانه اولیه توزع و گوناگونی پدید می‌آید. تکامل در یک جاده مستقیم الخط سیر نمی‌کند بلکه در آن گرایشهای مختلف پدید می‌آید و لذا جاده‌های متفاوتی را "برمیگزیند" و راههای مختلفی را "می‌آزمایند". ولی سیاله تکامل در همه این راهها بجای دوری نمی‌رود. جز در یک راه، در راههای دیگر به بن بست می‌بخورد و حرکت تکاملی در همانجا می‌میرد و متوقف میشود و بصورت حرکت دورانی و تکرار مکرر در می‌آید. آری قطب در یک راه سیاله تکامل به پویه خویش ادامه میدهد و همین راه است که ما آنرا شاخه روینده تکامل مینامیم. بعنوان مثال میتوان گفت که از میان جهان مواد شیمیائی تنها برای مواد آلیومینی و ترکیبهای اسید ریونیکه نیک دست داد که در کره ما پای در مسیر حیات بگذارند و در میان انواع گوناگون موجودات زندگی اولیه تنها برای یک یا برخی از آنها دست داد که بتدریج از جهان نرم تنان و ماهیها و خزندگان و پستانداران و پریمات‌ها به جهان انسانوارها (Anthropoïde) (انسانها) (Homo) پای گذارند. از انواع انسانها (Homo) ها تنها برای "انسان عاقل" (Homo Sapiens) دست داد که راه تکامل را همیاید. در تاریخ انسانی نیز شاخه‌های روینده تکامل گاه اینجا و گاه آنجا به پیش دیده است و در بسیاری نقاط دگر بن بست‌ها و راکد‌های اجتماعی و مدنی فراوانی پدید شده است. تنها مد نیست انسانی در عصر ما و در اجتماعاتی که بهم نزدیک شده اند طبق قانون ظروف مرتبطه کار ما به خود را بهر سو نشاند میدهد و سراسر بشریت را بشاخه روینده تکامل بدل میسازد.

گفتیم که حرکت در شاخه‌های مرده بصورت تسلسل و تکرار در می‌آید. هستی در جها و بخارها، گذران گیاهان، زندگی مرغان و زنبوران، شیوه زیست اسبها و میوه‌ها ملبوسها سال است تغییر نکرده است و اگر مدخله انسانها نباشد طبیعت ناز می‌ستند و زیستند ملبوسها سال به حرکت بخواخت ادامه میدهد. در کیهان

بزرگ میبارد هاسال است خورشید و کهکشانها در دواش پکتولخت و باحالات پکتولخت میگردند. بدین شک  
تبارکه زمین مانست که در آن شاخه رویند، تکامل یعنی تدن انسانی به پیش میرود. در میان این  
ملیونها مخلوطه و کهکشان امکان وجود حیات و حتی تدن باهمه هوسناکی و ناپایی این پدیده ها، نه  
نقط کم نیست بل بسیار است ولی بهرجهت در این پیشه عظیم هستی شاخه های تغییر تکاملی اندک است  
و عرصه های تغییر تکرار امیز بسیار.

مشهان شاخه های رویند، د ارای آنچهان قدرتی هستند که میتوانند روی بسراغ سراپای هستی  
بروند و دم تحول تکاملی را در طبیعت و در کهکشان بد مند. همانطور که یک کانون جد اگانه تکامل قادر است  
کارما به خود راهیمه محیط مستعد سراپت دهد، تدنها میتوانند سراپه هستی را باالخر حرکت تکاملی نوین  
شعله ورسازند و هراینه این چنینست مربوط به آینده ای بیرون از وهم.

ب - درباره آهنگ شتابند و تکامل

تجارب و مشاهدات نکته د پگری رانیز درباره تکامل نشان میدهد و آن اینست که حرکت تکاملی در  
هر فاز تازه نسبت به فاز گذشته سریعتر عمل میکند. این قانون شتاب ( Accélération ) تکامل بخوبی  
قابل درک است. سازمانهای پهنتر که شکل عالیتر و کارما به بیشتر حرکت دارند، ناچار باسیر شتابند و تری  
جلو میروند. مثلا در دوران ما یکسال تاریخ انسان برابر با سالها تاریخ وی در قرن گذشته است و یا مثلاً تحول  
و تغییر در تاریخ بشر از تحول و تغییر در تاریخ مواد زیستند و ناز مستعد بسی سریعتر انجام میگیرد. و نیز  
برای نمونه تغییرات محیط طبیعی را با تغییرات جامعه قیاس کنید.

ج - سیر تکامل

و اما سیر تکامل سیری است شکفت انگیز، پراوجاج، موجی، پراکنده ( dispersif )، جهشی  
( گاه به جلو و گاه به عقب )، درجائی، دورانی، مستقیم الخط، گاه فلاکت آمیز، گاه آرام و از جهت شکل  
تحقق خود ( بویژه در تاریخ انسانی ) پیش بینی ناپذیر، و حال آنکه از جهت ماهیت تحول همیشه پیش بینی  
پذیر است زیرا تابع قانون و نظم معینی است که شناختنی است.  
خطائی از آن بزرگترینست که ما سیر تکامل را مستقیم الخط بپنداریم و تصور کنیم هر بخش آنی حتما از  
بخش ماقبل در مرحله بالاترینست. تردیدی نیست که بطور کلی بخشهای آتی از بخشهای گذشته در مرحله  
عالیترند ولی بچه شکل، کی، کجا قابل پیش بینی دقیق نیست.  
در تاریخ بشری تاکنون سیر تکاملی علی رغم نظم و قانونندی ماهوی خود از جهت شکل ظاهری آن  
بسی مغشوش است و همین امر به سفسطه بازان امکان میدهد که از بی قانونی تاریخ سخن گویند، سخنی که  
لغو و بیجاست.

د - پهنتر شدن ساده و ساده شدن پهنتر

در د رسنامه های د پالکتیک می آموزند که یکی از مشخصات حرکت تکامل پهنتر و پراجزا تر شدن ساده  
است یعنی آنکه مرحله عالیتر حتما مرحله ایست پراجزا تر و پهنتر از مرحله دانی. این سخن درستی است  
ولی سخن کامل و تمامی نیست. در مراحل از تکامل یک پروسه تخمین د پالکتیکی انجام میگیرد یعنی یکمرتبه  
بجای اجزا فراوان گذشته یک واحد کاملتر پدید می آید و از جهت ساختن کیفیت نهی کم اجزا تر ساده تر  
بنظر میرسد. مثلا سفسطه است اگر تصور کنیم صد سال د پگر که اقتصاد انسانی بسطی به مراتب بتوان تراز امروز  
خواهد یافت حتما تمداد حصاد اران و مهندسان همان اندازه زیاد تر خواهد شد. پدایش ماشینهای  
منطقی ( کومپوتورها ) نشان میدهد که ناگهان مراکز محاسبات الکترونیک جای هزارها و دهها هزار حسابدر  
و مهندسان را میگیرد. باقی الطل نیمه هاد بها باورد خود در صحنه صنعت ماشینهای الکترونیک را از قیسد

چراغهای کاتود يك ره ساختند و این ماشینها را بسی ساده تر از گذشته کردند. ولی این ساده گی خاصی است. این نوعی جمع بندی و حاصل گیری است که چیزیست که ما آنرا تخمین یا الکتیکی نامیدیم. در يك کلمه حرکت تکاملی دارای شاخه روینده است که اینجا و آنجا دمد م سرعتر رشد میکند، مسیرش آن برعکس است و در هر مرحله تازه رشد تشکیکالیتر و هماهنگ تر پدید می آید که بتلی بسدیع و نوظهور است.

همین ویژگی حرکت تکاملی و بغرنجی آن چنانکه گفتیم پیش بینی را، اگر با برخورد متافیزیک، با مطلق کردن گذشته و حال، بالمصحاب و Extrapolation عامیانه انجام گیرد بکاری عبت بدل میسازد و بهمین سبب درك ویژگیهای حرکت تکاملی پایه عد و پیش بینی علمی است. علم تکامل بخش معتبری از جنبش شناسی یا الکتیکی است و این علم که یکی از بدخل های مهم دانشهای طبیعی و اجتماعی است باید پیش از پیش کسب استقلال و اهمیت کند و پژوهش خود را که در این مختصر بد ان اشاراتی رفته است با بررسی کلیه عرصه های حرکت ماده غنی تر و استوارتر سازد.

---